



## مقدمه

عضویت در شوراهای برنامه‌ریزی درسی و تدوین راهنمای برنامه درسی تربیت‌بدنی و تألیف کتاب‌های راهنمای تدریس برای معلمان تربیت‌بدنی، و عضویت در گروه بنیان‌گذار و بعد از آن، هیئت تحریریه مجله رشد آموزش تربیت‌بدنی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، و در حال حاضر عضویت هیئت علمی دانشکده تربیت‌بدنی و

در دوران تحصیل در مقاطع تحصیلی راهنمایی و متوسطه، بیشتر معلمان تربیت‌بدنی من علاوه بر معلمی تربیت‌بدنی، ورزشکار و بعضی هم مربیان ماهر و معروفی در رشته‌های مختلف ورزشی، به‌ویژه فوتبال، بودند و اغلب، تیم‌های ورزشی آموزشگاهی را نیز در مسابقات ورزشی آموزشگاهی در سطوح مختلف هدایت می‌کردند. برای من که در همان دوران علاوه بر عضویت در تیم‌های ورزشی آموزشگاهی در سطوح مختلف در سطح باشگاهی نیز فوتبال بازی می‌کردم و مربیان مختلفی را تجربه کرده بودم، تفاوت‌های شخصیتی و رفتاری مربیانی که معلم هم بودند با مربیانی که شغل‌های دیگری داشتند چندان قابل درک و تأمل نبود. بعد از آن دوران و از دوره تحصیل در رشته دبیری تربیت‌بدنی در دانشگاه، انجام وظیفه در جایگاه معلم تربیت‌بدنی در مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، فعالیت در پست‌های کارشناسی، کارشناسی مسئول، ریاست گروه، معاونت آموزش و پژوهش در بخش تربیت‌بدنی حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش،

# تفاوت‌های تدریس و مربیگری در متون پژوهشی

مترجم: دکتر جواد آزمون

عضو هیئت علمی دانشکده تربیت‌بدنی و علوم

ورزشی دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی



برنامه‌هایی که تحت پوشش یک وزیر و به نمایندگی دو معاونت توسط فردی به نام «معلم تربیت‌بدنی» دنبال می‌شود، نقایص و تعارضاتی را شاهد باشیم. با وجود برنامه‌داری و مشخص بودن تکلیف معلم در مدرسه اگرچه مبین انجام وظیفه است، بعضاً شاهد صدور بخشنامه‌هایی از طرف معاونت تربیت‌بدنی و سلامت هستیم که معلم را با وظایفی اضافی و فوق‌برنامه روبه‌رو می‌کنند و احتمالاً موجب سردرگمی آن‌ها می‌شوند. البته کاستی‌ها و مشکلات موجود در نظام تربیت معلم تربیت‌بدنی، برنامه‌های درسی متعدد و سازوکارهای جذب و استخدام معلم نیز احتمالاً در بروز چنین سردرگمی‌ای مؤثر می‌باشند.

اکنون بعد از سال‌ها تحصیل، مشاهده، مطالعه و کسب تجربه می‌پندارم که بین آن دسته از معلمان که مربی نیز بودند، با مربیانی که شغل‌های دیگری داشتند تفاوت‌های شخصیتی و رفتاری بسیاری وجود داشته که احتمالاً ریشه در «شغل» دارد. اما چالش اصلی این است که به‌نظر می‌رسد معلمان تربیت‌بدنی به‌دلیل مشخص نبودن وظیفه اصلی‌شان در مدرسه و مشکلات ساختاری پیش گفته، دچار «تعارض نقش تدریس - مربیگری» هستند. لذا به‌دلیل تدریس درس تربیت‌بدنی در مدارس در سطح دانشگاه و برخورد دائمی با معلمان تربیت‌بدنی و معلم - دانشجویانی که در حال حاضر مشغول تدریس درس تربیت‌بدنی در مدارس‌اند و چنین تعارضی را احساس می‌کنند، بر آن شدم که حداقل برای توجیه خودم، به روالی علمی و پژوهشی موضوع تعارض نقش معلم - مربی را در تربیت‌بدنی مدارس بررسی کنم و یافته‌هایم را در معرض دید علاقه‌مندان و احیاناً مسئولان قرار دهم. از آنجا که هر پژوهشی با مطالعه و بررسی ادبیات پیشینه آغاز می‌شود، من نیز مطالعه و ترجمه منابع مختلف در این موضوع را در دستور کار سال جاری قرار دادم و قصد دارم حداقل در قالب سه مقاله جداگانه، نتیجه بررسی‌های کتابخانه‌ای و نظری خود را به اطلاع خوانندگان محترم نشریه رشد آموزش تربیت‌بدنی برسانم. اولین مقاله با عنوان «تفاوت‌های تدریس و مربیگری در متون پژوهشی»، که ماحصل ترجمه و تلخیص منتخبی از متون پیشینه است، تقدیم می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** مدارس، معلم تربیت‌بدنی، درس تربیت‌بدنی

علوم ورزشی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی به مرور زمان علاوه بر پیگیری امور اجرایی، بیشترین تلاش و وقت‌م را به پژوهش، آموزش، تألیف و ترجمه در حوزه برنامه‌ریزی درس تربیت‌بدنی و اخیراً تربیت معلم تربیت‌بدنی معطوف داشته‌ام. طی این دوران بزرگ‌ترین چالش‌هایی که همواره در مراحل مختلف با آن‌ها روبه‌رو بوده‌ام شاید در این جمله‌ها بگنجد که «در مدرسه درس تربیت‌بدنی داریم یا ورزش؟ معلم تربیت‌بدنی داریم یا معلم ورزش؟ ساعت تدریس تربیت‌بدنی داریم یا زنگ ورزش؟ وظیفه اصلی معلم تدریس تربیت‌بدنی است یا مربیگری ورزش؟»

به‌دلیل توجه جهانی به موضوع درس تربیت‌بدنی در مدارس و اثبات تأثیرات مختلف فعالیت‌های بدنی و به‌ویژه فعالیت‌های بدنی مدرسه‌ای در قالب درس تربیت‌بدنی، طی چند دهه گذشته و توجه دولت‌ها، دستگاه‌های متولی، دانشگاهیان، و علاقه‌مندان به موضوع تربیت‌بدنی در مدارس کشورمان طی سه دهه گذشته و تصویب اهداف کلی و دوره‌ای آموزش و پرورش کشور جمهوری اسلامی ایران و به دنبال آن، تدوین برنامه درسی تربیت‌بدنی و اقدامات تکمیلی مختلف تقریباً تکلیف سه بخش اول معلوم شده است؛ یعنی، بنابر اهداف مصوب، ما در مدارس درس تربیت‌بدنی، ساعت درس تربیت‌بدنی و معلم تربیت‌بدنی داریم (آزمون، ۱۳۸۳). اگرچه هنوز در اجرا نقایصی وجود دارد اما به‌نظر من به‌دلیل عدم تقسیم وظایف در بدنه ستادی و صفی وزارت آموزش و پرورش و وجود برخی ابهامات اجرایی و موازی‌کاری‌ها، چالش آخر کمتر مورد تأمل و توجه قرار گرفته است. بنابر قوانین آموزشی، مسئولیت برنامه‌ریزی درس تربیت‌بدنی در مدارس به عهده سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. از طرف دیگر، به‌دلیل اهمیت تربیت‌بدنی و ورزش در سنین مدرسه، ساختاری تشکیلاتی به نام «معاونت تربیت‌بدنی و سلامت» در وزارت آموزش و پرورش وجود دارد که در روزگاری نه چندان دور در حد یک اداره کل بود. اگرچه آثار مثبت این ساختار و تلاش‌های ارزنده و قابل تقدیر تمامی کسانی که طی سالیان گذشته در این ساختار انجام وظیفه کرده و مشغول انجام وظیفه‌اند قابل اغماض نیست، عدم تفکیک وظایف و برخی ابهامات وظیفه‌ای باعث شده است که در صحن مدرسه و در اجرای

**به نظر می‌رسد  
معلمان تربیت‌بدنی  
به دلیل مشخص  
نبودن وظیفه  
اصلی‌شان در  
مدرسه و مشکلات  
ساختاری  
پیش گفته،  
دچار «تعارض  
نقش تدریس -  
مربیگری» هستند**

## تفاوت‌های تدریس و مربیگری از منظر پژوهشگران

بین نقش‌های معلم و مربی در جاتی از همپوشانی وجود دارد. تمرکز روی تدریس، آموزش، حرکت بدنی، و تماس گسترده با کودکان و بالغان عموماً در هر دو نقش هستند (گیلبرت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ اوکانور<sup>۲</sup> و مک دونالد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). اما بنا به اظهار کوکمن و همکارانش<sup>۴</sup> (۲۰۱۰)، نقش‌های معلم و مربی خصوصیات بسیار متفاوتی نیز دارند و ضمناً به توانایی‌های متفاوتی نیازمندند.

لاک و مسنگل<sup>۵</sup> (۱۹۷۸) متذکر شدند که در ارتباط بین اجرای نقش با ارتقای شغل، میزان آماده‌سازی روزانه مورد نیاز؛ فراوانی، صراحت، و مقبولیت ارزشیابی و پاسخ‌گویی، سطح اجماع در موضوعات مرتبط با تحقق عملکرد مطلوب، میزان تماس با مشتریان، ناهمگنی ارباب رجوع، میزان مشارکت داوطلبانه مشتری، انگیزش مشتریان، اندازه گروه مشتریان نسبت به سایر گروه‌ها، که شغل با آن مواجه است، تناقضاتی وجود دارد. همچنین، این دو نقش اختلافاتی در اهداف یادگیری و مشخصه‌های تکلیفی و گروهی با هم دارند (چلادوری و کوگا<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶؛ کوکمن و همکاران، ۲۰۱۰). به این اختلافات و سایر اختلافات در ادبیات پیشینه اخیر اشاره شده، ولی میزان تفاوت و تأثیرات مختلف آن‌ها منوط به بافتی است که معلم یا مربی در آن کار می‌کند. احتمالاً عواملی نظیر سطح و پایه تحصیلی، سطح اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموزان، طرفداری از تدریس و مربیگری و مسئولیت نسبت به عملکرد تدریس و مربیگری بر ادراکات شخص از نقش‌هایی تأثیر گذارند. همچنین بایستی در نظر داشت که احتمالاً هویت و تعهد شخص نسبت به هر نقش متفاوت است، که این موضوع روی میزان اختلافات تجربه شده تأثیر خواهند گذاشت. در ادامه، به تحقیقات اخیر در رابطه با سازگاری نقش‌های معلم و مربی به‌طور خلاصه اشاره خواهد شد و حوزه‌هایی که توجه بیشتری به بافت و خصوصیات فرد معطوف داشته‌اند، معرفی خواهند شد (کیوین، ۲۰۱۳).

## اهداف کلی و عینی

اوکانور و مک‌دونالد (۲۰۰۲) خاطر نشان می‌سازند که مربیگری و تدریس تربیت‌بدنی بر حسب پیامدهای مورد انتظار، با یکدیگر

فرق می‌کنند. در تربیت‌بدنی، عموماً رشد قابلیت‌های شناختی، عاطفی، و روانی حرکتی همچنین تقویت تمایل و علاقه به فعالیت بدنی مادام‌العمر (در قالب اشکال مختلف فعالیت بدنی مثل ورزش صبحگاهی، همگانی، تفریحی، قهرمانی یا حرفه‌ای) به‌عنوان اهداف عینی مدنظرند؛ حال آنکه هدف ورزش رشد دانش‌آموزان نخبه در یک رشته ورزشی خاص و ایجاد تیم‌های برنده است (وون و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰). بنابر اظهارات میزلنگل و مورلی<sup>۸</sup> (۲۰۰۴)، مربیان در سطح دبیرستان اغلب به‌منظور حفظ شغلشان نیازمند پیروزی هستند. مربیانی که برای آموزش جوانان وقت می‌گذارند، به‌دلیل اینکه برای کسب پیروزی تحت فشارند مجبور به ترک مربیگری می‌شوند (صفحه ۱۲۱). اگرچه استانداردهای تعیین شده بر پیامدهای کلی‌تر مربیگری تأکید کرده‌اند (انجمن ملی ورزش و تربیت‌بدنی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶). اما به‌دلیل تمایل شدید جامعه، کسب پیروزی با تیم‌های ورزشی دبیرستان کماکان مهم و حیاتی است (ریز<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۷). در برخی موارد، خصیصه‌های رقابتی این ورزش‌ها شاید با نمونه‌های رقابتی بزرگ‌سالان قابل مقایسه باشد (کرک و گورلی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۰). به هر حال، میزان تأکید بر پیروزی نسبت به سایر پیامدها به مقدار زیادی به عواملی چون سطح و پایه تحصیلی، بافت مدرسه، رشته ورزشی‌ای که مربیگری می‌شود، تمایلات مربی، مدیران، ورزشکاران، و اعضای انجمن مدرسه یا جامعه بستگی دارد (کیوین، ۲۰۱۳).

## خصوصیات ارباب رجوع

تربیت‌بدنی، حداقل به‌عنوان بخشی از ساعات آموزشی، یک موضوع درسی اجباری در برنامه درسی مدارس است (وون و همکاران، ۲۰۱۰؛ اوکانور و مک‌دونالد، ۲۰۰۲). در مقابل، شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی اصولاً داوطلبانه است (اوکانور و مک‌دونالد، ۲۰۰۲). تفاوت بنیادی بین این دو موقعیت موجب می‌شود تا هر یک، ارباب رجوع متفاوت با دیگری یا خاص خود را جذب نماید. دانش‌آموز حضور در برنامه‌های ورزشی را خود انتخاب می‌کند، اما معلم تربیت‌بدنی با دانش‌آموزانی در تعامل است که ملزم به حضور شده و تمایلات و انگیزش متفاوت‌تری برای انجام فعالیت بدنی دارند. (اس. جی. اچ. بیدل<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۱). شواهدی وجود دارد که

دانش‌آموز حضور در برنامه‌های ورزشی را خود انتخاب می‌کند، اما معلم تربیت‌بدنی با دانش‌آموزانی در تعامل است که ملزم به حضور شده و تمایلات و انگیزش متفاوت‌تری برای انجام فعالیت بدنی دارند

ملی ورزش و تربیت‌بدنی و انجمن قلب آمریکا<sup>۱</sup>، (۲۰۱۰). برای مثال، هاردین<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۹) در مطالعه روی معلمان - مربیان تحت بررسی خود دریافت که نسبت متوسط معلم به دانش‌آموز ۱:۳۰ بوده اما نسبت متوسط مربی به ورزشکار ۱:۴ بوده است و این، مبین وجود نسبت‌های متفاوت در بافت‌های مختلف است. برخی ایالت‌ها و نواحی محلی به نسبت‌های معلم به دانش‌آموز مشابهی در کلیه کلاس‌ها نیاز دارند؛ در حالی که سایرین کلاس‌هایی با اندازه بزرگ‌تر را در تربیت‌بدنی برنامه‌ریزی می‌کنند. به همین نحو، برنامه‌های ورزشی که مجاز به حذف بازیکنان نیستند، در مقایسه با فرایندهای سطح بالای انتخاب تیم احتمالاً نسبت‌های مربی به ورزشکار بزرگ‌تری خواهند داشت.

### پاسخ‌گویی

در برخی موقعیت‌های مدرسه‌ای، معلمان یا مربیان شاید نسبت به عملکردشان در نقش مربی پاسخ‌گو باشند اما در نقش معلم چنین نباشند. مدیران ممکن است کسب موفقیت در زمین‌های ورزشی را طلب کنند، اما کسب موفقیت در کلاس درس را خیر (چلادوری، کوگا، ۱۹۹۶). همان‌طور که مسنگل (۱۹۸۱) مطرح کرده است «مدیران به ندرت به دلیل نارسایی‌های تدریس اخراج می‌شوند؛ با وجود

نشان می‌دهد برای معلم یا مربیان مشکل است که بر تفاوت‌های موجود در بین یادگیرندگان که در چنین موقعیت‌هایی قرار گرفته‌اند، به‌طور مؤثر فایده‌آمیز (آی سی نینا<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۹). هرچند، چنین موضوعی به بافت مدرسه و خصوصیات ارباب رجوع نیز بستگی دارد.

برخی مدارس منش اجتماعی را در موضوع فعالیت بدنی بنیاد نهاده‌اند و مشارکت در همه اشکال فعالیت بدنی را ترغیب و تشویق می‌کنند. در سایر مکان‌هایی که تربیت‌بدنی و فعالیت بدنی ارزشمند تلقی نمی‌شوند، کودکان ممکن است برای داشتن تمایلات منفی نسبت به تربیت‌بدنی مستعدتر شوند. در ضمن، معلمان تربیت بدنی باید به تعداد زیادی از کودکان با سطوح مهارتی و انگیزشی مختلف آموزش دهند؛ حال آنکه مربیان گروهی نسبتاً کوچک از دانش‌آموز - ورزشکاران با انگیزه بالا را آموزش می‌دهند (آی سی نینا، ۱۹۹۹؛ وون و همکاران، ۲۰۱۰؛ اوکانور و مک دونالد، ۲۰۰۲). یافتن و مشاهده کلاس‌های تربیت‌بدنی که نسبت به سایر کلاس‌ها بزرگ‌تر باشد عجیب و غیرمتعارف نیست؛ چون بسیاری از ایالت‌ها در خصوص اندازه کلاس تربیت‌بدنی که قابل قیاس با اندازه کلاس سایر موضوعات درسی باشد، حکمی صادر نکرده‌اند (انجمن

**مدیران به ندرت به دلیل نارسایی‌های تدریس اخراج می‌شوند؛ با وجود این، تجربه تدریس به ندرت بدلی برای شکست در زمین ورزش محسوب می‌شود**



این، تجربه تدریس به ندرت بدلی برای شکست در زمین ورزش محسوب می‌شود (صفحه ۲۳)». هاردین (۱۹۹۹) دریافت که معلم - مربی‌ها احساس می‌کنند که برای نقش مربی بیشتر از نقش معلم پاسخ‌گو هستند؛ اگرچه ابتدا به‌عنوان معلم استخدام شده‌اند. سیچ (۱۹۸۷) بر این باور است که «از معلمان با دانش‌آموزان آن‌ها ارزشیابی دولتی کمی می‌شود و ارزشیابی سازمانی نیز نوعاً پراکنده و مبهم‌اند.» (صفحه ۲۱۸). برای مثال، شرکت‌کنندگان در مطالعه نقش دوگانه معلمان و مربیان بسکتبال هربرت (۲۰۰۷) معتقد بودند که شغلشان پیروزی در بازی‌های بسکتبال بوده است، اما درباره اینکه در قبال تدریس نیز پاسخ‌گو بوده‌اند، به همان صراحت پاسخ ندادند. عوامل خودساخته، داخلی (مثل، هیئت مدیره مدرسه، مدیر،) و خارجی (مثل، والدین، جامعه) برای کسب موفقیت و ظاهر شدن در بالاترین درجات مربیگری فشار وارد می‌کنند تا تدریس یا معلمی (تمپلین<sup>۱۷</sup>، ۱۹۸۰ الف) اما مدیران و اعضای جامعه که برای تربیت‌بدنی ارزش قائل‌اند و همچنین تمایلات شخصی معلم/مربی احتمالاً موجب برقراری ساختارهای پاسخ‌گویی می‌شوند. برخی معلم/مربیان نسبت به عملکرد خود در هر دو نقش به یک اندازه پاسخ‌گو بوده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر بیشتر ارزشیابی شده باشند. به همین نحو، معلم/مربیان که بیشتر با نقش مربی شناخته می‌شوند، احتمالاً خود را در استاندارد بالای مربیگری نگه می‌دارند تا تدریس یا معلمی، و برعکس این مطلب می‌تواند در مورد تمایلات تدریسی هم واقعیت داشته باشد.

## پاداش‌ها

معلم/مربیان اغلب در یک سیستم پاداشی پیچیده و نابرابر گرفتارند (مسنگل، ۱۹۸۱). مدیران ممکن است معلم/مربیان را به خاطر عملکردشان در عرصه مربیگری تشویق کنند اما از تشویق تدریس عالی آنان غافل شوند (چلادوری و کوگا، ۱۹۹۶؛ تمپلین، ۱۹۸۰، الف). بسیاری از معلمان، به‌ویژه معلمان تربیت‌بدنی، تماس محدودی با مدیر دارند و به حد زیادی کیفیت تدریستان تا حدود زیادی مورد ملاحظه و توجه قرار نمی‌گیرد (چلادوری و کوگا، ۱۹۹۶). برای مثال، معلمان مورد بررسی در مطالعه

استروت، فاوست و شواگر<sup>۱۸</sup> (۱۹۹۳) معتقد بودند که بابت تدریستان هیچ حمایت نشده و بابت کیفیت تدریستان نیز پاداشی نگرفته‌اند. اگرچه، این مورد در همه موقعیت‌ها یا در مورد همه مدیران صادق نیست. برخی مدیران صادقانه برای تربیت‌بدنی ارزش قائل‌اند و به‌طور منظم در سالن ورزش حضور می‌یابند. حضور منظم مدیران در سالن ورزش برای بررسی تأثیر روند رایج پرداخت حقوق در مقابل عملکرد در ساختار پاداش معلم/مربی جالب توجه خواهد بود. به طوری که مجریان نقش معلم اجرت کامل عملکرد تدریسی‌شان را دریافت خواهند کرد. به عقیده لاک<sup>۱۹</sup> (۱۹۷۸)، به دلیل تفاوت‌های موجود بین نقش‌های معلم و مربی، «ممکن نیست دو نقش به یک اندازه جذاب یا همسان باشند و وقتی به هم پیوند خوردند، غیرمنتظره نخواهد بود که یکی نقش ارجح شود و لذا ترجیح آن به اختلال در نقش غیرارجح منجر گردد» (صفحه ۱۸۳). اگرچه محیط و تمایل شخص در تأثیر تجارب معلم/مربی نقش بازی می‌کنند، به هر حال وجود درجانی از تعارض نقش اجتناب‌ناپذیر است. مسنگل (۱۹۸۱) با این پیشنهاد که طبیعت بی‌همتای نقش دوگانه معلم/مربی به‌علاوه انتظارات همراه با آن بسیاری از معلم/مربیان را در یک موقعیت «تعارض اجتناب‌ناپذیر» قرار می‌دهد، ادعای اجتناب‌ناپذیری تعارض نقش را تقویت کرد (صفحه ۲۳).

## خلاصه

به‌نظر می‌رسد معلمان تربیت‌بدنی به دلایل مختلف در مدرسه با نقش‌های دوگانه معلمی (یا تدریس) و مربیگری مواجه‌اند؛ نقش‌هایی که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارد و توانایی‌های متفاوتی را می‌طلبد. در جمع‌بندی از بررسی ادبیات پیشینه می‌توان چند عامل مهم و تأثیرگذار را در ظهور و بروز چنین نقش‌هایی شناسایی کرد؛ اهداف کلی و عینی، خصوصیات ارباب رجوع، پاسخ‌گویی و پاداش‌ها. هر یک از این عوامل، براساس سهم بیشتر و اصلی‌تری که دارند، می‌توانند به ارجحیت یک نقش نسبت به نقش دیگر منجر شوند. به هر حال، وجود تعارض نقش مسلم است و بعضاً چنین اعتقادی وجود دارد که تعارض نقش بین معلم - مربی تربیت‌بدنی اجتناب‌ناپذیر است.

## به نظر می‌رسد معلمان تربیت‌بدنی به دلایل مختلف در مدرسه با نقش‌های دوگانه معلمی (یا تدریس) و مربیگری مواجه‌اند

### پی‌نوشت‌ها

1. Gilbert
2. O'Connor
3. Macdonald
4. Konukman and colleagues
5. Locke and Massengale
6. Chelladurai & Kuga
7. Kwon et al
8. Millsalgle and Morley
9. National Association of Sport and Physical Education (NASPE)
10. Rees
11. Kirk & Gorely
12. S. J. H. Biddle
13. Aicinena
14. National Association of Sport and Physical Education (NASPE), & American Heart Association (AHA)
15. Hardin
16. Sage
17. Templin
18. Stroot, Faucette, and Schwager
19. Locke

### منابع

۱. آزمون، جواد (۱۳۸۳). اهداف آموزش و پرورش در برنامه درسی تربیت‌بدنی دوره ابتدایی. نشریه نگاه، سال دوازدهم، شماره ۲۲۵. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
2. Kevin, A. (2013). Understanding Teacher/Coach Role Stressors and Burnout, PhD dissertation, Purdue University, West Lafayette, Indiana, USA.